آموزش دین زرتشتی

سال دوّم راهنمایی

از انتشارات انجمن زرتشتیان تهران

برابر برنامه‌های آموزش و پرورش

درس اول
پایه های دین زرتشتی

مفهوم پایه‌ی دین

پایه و بنیاد دین زرتشتی بر پیام و آموزش‌هایی استوار است که اشورزتشت آن را سبب رستگاری و سعادت مردم جهان دانسته است؛ آگاهی و دانستن آن انسان را به خوشبختی و رسایی می‌رساند و به پیشرفت و آبادانی جهان می‌انجامد.

اشوزرتشت با کلامی شیوا و شیرین بارها و بارها آموزه‌های خود را برای مردم بیان نموده این گفته‌های آهنگین به توسط پیروانش سینه به سینه و نسل به نسل پاسداری شده و به ما رسیده است تا اینک از آن پیروی کنیم.

پایه های دین زرتشتی

هر فرد زرتشتی با استفاده از منش نیک و با خرد پاک می‌تواند این آموزش‌ها را فراگیرد، از آن پیروی کند و در زندگی به کار بندد.

اصول دین زرتشتی عبارتند از :

۱- باور به هستی و یکتایی اهورامزدا ۲- باور به پیامبری اشوزرتشت ۳- باور به قانون اشا (هنجار هستی یا راستی) ۴- باور به برابری حقوق انسان‌ها ۵- باور به جهان مینوی و جاودانی روان ۶- باور به هفت پایه کمال (امشاسپندان) ۷- باور به داد و دهش و نیکوکاری ۸- باور به سپند (مقدس) بودن چهار آخشیج ۹- باور به فرشکرد (نوآوری‌ها و رستاخیز)

اهورامزدا نخستین پایه‌ی دین زرتشتی

باور به یکتایی اهورامزدا، اولین پایه‌ی دین زرتشتی است که هر زرتشتی باید به هستی و یکتایی آفریدگار ایمان داشته باشد، او را بی‌شریک، بی‌همتا، سرآغاز و سرانجام همه چیز بداند.

اشوزرتشت پیامبر باستانی

نخستین پیامبری که از یکتاپرستی و جهان مینوی خبر داد، اشوزرتشت پیامبر آریایی و بنیان‌گزار دین مزدیسنی و آیین راستی است. اشوزرتشت حقایق بسیاری را دریافت و به صورت پیام‌هایی انسان‌ساز به جهانیان عرضه کرد.

زندگی بر پایه خداشناسی و آموزش پیامبر

در پیام‌های اشوزرتشت، اهورامزدا، خدای دانش در زندگی نام دارد. اوست که به مردم از راستی و منش نیک خود در شهریاری خویش رسایی و جاودانی می‌بخشد. بشود که او بر ما زندگانی تازه و نیروی نوینی ارزانی دارد. زندگی که بر پایه خداشناسی استوار باشد و بر تعالیم و آموزش پیامبر هدایت شود، به سعادت می‌انجامد و خوشبختی و پیشرفت به همراه دارد.

نیک در اندیشه، گفتار و کردار

هومت و هوخت و هورشت به معنی نیک اندیشی و نیک گفتاری و نیک کرداری است. سراسر نیکی و خوبی‌هایی که از دست و زبان انسان بر می‌آید از این سه واژه برمی‌خیزد. هر فرد زرتشتی باید بر این باور داشته باشد که با پیروی از هومت و هوخت و هورشت است که به خوشبختی و رستگاری دست می‌یابد و با بکار بستن این سه پایه می‌تواند خدا و مردم را از خود خشنود سازد.

روان انسان و جاودانی آن

بنا بر نوشته‌های اوستایی، وجود انسان از چند جزو اصلی تشکیل شده است که عبارتند از : تن، جان، روان و فروهر. روان پس از مرگ تا ابد پایدار خواهد ماند و در جهان دیگر پاسخگوی اندیشه و گفتار و کردارهای نیک و بد شخص بوده و باید به اندازه ثواب یا گناهی که انجام داده است، بر پایگاه نیکان یا جایگاه بَدان برسد. جاودانی روان یعنی پس از مرگ انسان، روان که گوهر هستی اوست، پایدار مانده با تباهی تن از بین نمی‌رود.

اثر نیکی انسان بر تکامل جهان و آسایش آخرت

اشوزرتشت بنیانگذار خردورزی و آزادی گزینش در جهان است. او برای نخستین بار در جهان اداره نهادهای جامعه را به روش انجمنی، بنیان نهاد. بر پایه آموزش‌های اشوزرتشت همه انسان‌ها از هر نژاد و مذهب از نیروی بی‌نظیر دین- خرد (و جسم و جان و روح و فروهر بسیار بالنده) در جهان برخوردار است که هر انسانی با پیروی از منش نیک و قانون اشا، سرنوشت خود را می‌سازد و سعادت و رستگاری را برای خود به ارمغان می‌آورد. با پیروی از وهومن و پارسایی و شهریاری نیک به پایگاه تکامل و رسایی سپس به جاودانگی می‌رسیم. نیکی انسان موجب تکامل جهان و آسایش آخرت است.

آزادی و حق مردمان

هر انسانی دارای اندیشه (من) است، از آزادی کامل انتخاب راه برخوردار است و می‌تواند اندیشه خود را به هر راهی که مایل است هدایت کنند. انسان‌ها آزاد هستند بهترین یا بدترین منش را در پیش گیرند و سرنوشت خود را بسازند. وظیفه هر زرتشتی این است که اندیشه خود را به سوی وهومن هدایت کند و خوبی‌ها را پیشه خود سازد تا به تکامل و جاودانی برسد.

پایه‌های اخلاقی و جهانی دین زرتشتی

دین زرتشتی دارای پایه‌های اخلاقی و جهانی است که انسان می‌تواند با استفاده دقیق و پیوسته از این آموزشها به رسایی و پیشرفت و سعادت برسد. زرتشت شناسان جهان با مدرک و دلیل ثابت کرده‌اند که اشوزرتشت جزو معدود کسانی است که باورها و پیام‌های اهورایی او در فرهنگ مردم ایران زمین و دیگر فرهنگ‌های جهان تأثیر مثبت و سازنده و زیربنایی دارد.

آیا می‌دانید که :

۱) کلمه «اهورامزدا» از دو قسمت اهورا (هستی بخش) و مز+ دا (بزرگ دانا) تشکیل شده است. در اوستای «سد و یک نام خدا» و «اورمزدیشت» توصیف‌هایی از اهورامزدا شده است.

۲) اشوزرتشت ۱۷۶۸ سال پیش از میلاد مسیح به دنیا آمد و در سن ۳۰ سالگی به پیامبری رسید. مبداء تاریخ زرتشتیان آغاز پیامبری اشوزرتشت است.

۳) اشوزرتشت اندیشه را پیش از گفتار و کردار نام برده زیرا معتقد است که اندیشه پایه و سرچشمه‌ی سخن است و کسی که به راستی نیک اندیش باشد، گفتار و کردارش هم خود به خود درست و نیک خواهد شد.

۴) دُژمت- دُژوخت- دژورشت به معنای بد اندیشی، بد گفتاری و بد کرداری است.

۵) فروهر ذره‌ای از هستی بی‌کران پروردگار است که برای راهنمایی انسان و رهبری آن به سوی کمال درتن ما به امانت گذاشته شده که پس از مرگ به همان پاکی به اصل خود باز خواهد گشت.

پرسش :

۱- بنیاد و پایه دین یعنی چه؟

۲- چند پایه دین زرتشتی را نام ببرید؟

۳- هومت و هوخت و هورشت یعنی چه؟

۴- «جاودانی روان» یعنی چه؟

۵- چگونه می‌توان به جاودانگی دسترسی پیدا کرد؟

۶- اشوزرتشت، اهورامزدا را چگونه توصیف کرده است؟

درس دوم
چگونه سدره پوش شویم

ورود آموزگار به کلاس همراه کشتی

آرزو برای دوستانش تعریف کرد که آموزگار دینی آن‌ها امروز با یک سدره و کشتی وارد کلاس شده است.

پرسش آویشن درباره سدره و کشتی

دوستانش بسیار تعجب کردند. آویشن پرسید: «سدره» و «کشتی» چیست؟ آرزو درباره آن‌ها چه می‌دانی؟ آموزگارت چه گفت؟ آرزو گفت: آموزگارم وقتی با تعجب بچه‌ها رو به رو شد، با لبخندی رو به بچه‌ها کرد و گفت می‌خواهیم مطالبی راجع به نشان برونی (ظاهری) زرتشتیان یعنی سدره و کشتی بیاموزیم و شما را آماده کنیم تا چند وقت دیگر شما نیز در رده سدره‌پوشان و بسته کشتیان درآیید.

پاسخ یکی از هم کلاسی‌ها

آناهیتا گفت: «خانم، من درباره سدره و کشتی از مادر و پدرم شنیده‌ام که سدره پیراهن سفید از جنس پنبه یا کتان است که بدون یقه و آستین دارای کیسه کرفه است و نُه (۹) تکه دارد. سدره در اوستا **وُهومَنو وَستَرَه** می‌گویند که به معنی لباس نیک اندیشی است. کشتی کمربندی است که از ۷۲ نخ از پشم گوسفند بافته شده است و آن را روی سدره می‌بندند. کشتی در اوستا **اَیویا اَنگهِن** به معنی کمربند است.»

نشانه بیرونی و برونی

آموزگار گفت: «بسیار عالی. بچه‌ها، به منظور همبستگی و شناسایی افرادی که دارای هدف، عقیده یا طرز فکر واحدی هستند، علایم و نشانه‌هایی در نظر می‌گیرند. یکی از این نشانه‌ها، سدره و کشتی برای ما زرتشتیان است که به عنوان نشانه ظاهری شناخته شده است. هر فرد زرتشتی زمانی که دستورهای اخلاقی و دینی پیامبر را آموخت، با منش نیک آن را بررسی کرد، به آن ایمان آورد و اوستای بایسته را نیز فراگرفت و آگاهی کامل نسبت به اصول و پایه دین زرتشتی به دست آورد و پذیرای دین زرتشتی شد، در مراسمی ساده و روحانی سدره‌پوش می‌شود. در این مراسم شخص سدره‌پوش شده اوستای مزده یسنو اهمی را می‌خواند و به مزداپرست بودن خود. و پذیرفتن دین نیک مزدیسنی را که آورده اشوزرتشت است، گواهی می‌دهد.»

بافتن کشتی

دانش‌آموزان با شنیدن این سخنان مشتاق به سدره‌پوش شدن، شدند و هر کدام سخنی در این مورد مطرح کردند.آذر گفت: «خانم، مادر من می‌تواند برای تمام بچه ها کشتی آماده کند، زیرا بافتن آن را می‌داند. ۷۲ نخ را به ۶ قسمت که هر کدام دوازده نخ دارد، تقسیم می‌کنند. عدد شش،

شش چهره گهنبار را یادآور می‌شود و عدد دوازده، نشانه ۱۲ ماه سال است ودر کل ۷۲ نخ کشتی نشانه ۷۲ سرود یسنا است و معمولا کشتی به وسیله زن موبد بافته می‌شود.»

آزاده گفت که پدرش می‌تواند پارچه‌های سفید سدره را تهیه کند و برای دوختن سدره به ما تحویل دهد.

آموزگار گفت: «وقتی تمام مقدمه‌های کار انجام شد، برادر من که موبدی آگاه و سالخورده است می‌تواند شما را سدره‌پوش کند. او اصولی را که لازم است، به شما گوشزد می‌کند. البته لازم است که شما نشان درونی را قبلاً در وجود خود ببینید.»

نشان درونی ما زرتشتیان، هومت و هوخت و هورشت است که هر زرتشتی باید از آن برخوردار باشد. اشوزرتشت تمام دستورهای اخلاقی و قوانین اجتماعی را در این سه گفته پرمعنی نهاده است.

اشوزرتشت از میان سه دستور به نیکی اندیشه بیشتر توجه کرده و آن را مقدم شمرده است چون اندیشه سرآغاز هر گفتار و کردار است.

اوستاهای بایسته برای سدره پوشی

فقط از بر دانستن سروش واژ- اوستای کشتی و دانستن پیمان دین کافی است.

آموزگار می‌گوید: «مهمترین بخش اوستای سدره‌پوشی، **مزده‌یسنو آهمی** را در کلاس با هم می‌خوانیم.»

متن : «مَزده‌یَسنو اَهمی- مَزده یَسنو زره توشتریش- فره وَرانه آستو تسچا- فروره تسچا- آستویه هومتم مَنو- آستویه هوختم وَچو- آستویه هورشتم شیوتنم- آستویه دَئینام وَنگهوایم. مازده‌یسنیم فرَسپایو خِذرام- نیداسنی تَشام- خَیت و دَه سام- آشونیم- یاهائی تی نام چا- بوشین تی نام چا- مَزیشتاچا وَهیشتاچا سرَاَیشتاچا- یا آهوایریش زره توشتریش- اهورایی مزدایی ویسپا وهو چی نهمی - ایشا اَستی دَینیا مازده‌یسنواش- آستویی تیش. (جَسَمِه اَوَنگهِه مَزدا) (۳ بار).»

معنی : «من مزداپرست هستم. من ایمان دارم که مزداپرست زرتشتی با ایمان و اعتقادم. من ایمان دارم به اندیشه نیک و به گفتار نیک و به کردار نیک. من ایمان دارم به دین مزدیسنا که جنگ را براندازد و اسلحه را کنار گذارد و به دوستی امر کند. دینی است که از دین‌هایی که بوده و هست و خواهد بود، بزرگترین و بهترین و زیباترین است. این دین اهورایی زرتشتی همه چیزهای نیک را به اهورامزدا نسبت داده است. این است گواهی من به این دین مزده‌یسنی. بیا به یاری من ای مزدا.»

سدره‌پوش شدن در آتشکده

قرار شد همه بچه‌ها برای سدره‌پوش شدن سه هفته دیگر آماده باشند و به همراه خویشان و آشنایان به مراسم بیایند. در پایان آموزگار می‌گوید که: «می‌توانید برادران خود را برای سدره‌پوش شدن به آتشکده بیاورید.»

آیا می‌دانید که :

۱- سفیدی سدره نشانه پاکی تن و روان و اندیشه است.

۲- «مزده‌یَسنو اهمی» یعنی مزداپرست هستم.

۳- وقتی اندیشه و گفتار و کردار همه افراد اجتماع درست بود، بدون شک در آن اجتماع نادرستی و بدی وجود نخواهد داشت.

۴- هومنش- هوگوشن- هوکنش به معنی اندیشه و گفتار و کردار نیک است. (به زبان پهلوی)

بیشتر بدانیم :

کشتی چهار گره می‌خورد، دو گره در جلو و دو گره در پشت. این چهار گره یادآور چهار آخشیج (آب، باد، خاک، آتش) است. بر ما زرتشتیان است که این چهار عنصر را پاک نگه‌داریم، زیرا تمام عناصر دیگر هم از این چهار عنصر به وجود آمده‌اند.

پرسش :

۱- نشان ظاهری زرتشتیان چیست؟

۲- نشان درونی زرتشتیان چیست؟

۳- واژه اوستایی سدره چیست و به چه معنی است؟

۴- واژه اوستایی کشتی چیست و به چه معنی است؟

۵- معنی «مزده‌یسنو اهمی» را بنویسید.

۶- «آستویه هومتم منو» یعنی چه؟

۷- ۷۲ نخ کشتی نشانه چیست؟ به چند قسمت تقسیم شده است؟

۸- سفیدی سدره نشانه چیست؟

درس سوم
خانواده نوین زرتشتی

نامزدی خواهر بزرگ فرهاد

فرهاد در کلاس دوم راهنمایی درس می‌خواند و یک خواهر بزرگتر از خودش به نام فرناز دارد که سه ماه پیش نامزد شده بود و خانواده در تدارک برگزاری مراسم گواه‌گیری و عروسی آنان هستند.

نامزدی پس از بلوغ جسمی و فکری

دختران و پسران پس از اینکه به سن بلوغ می‌رسند از نظر جسمی و فکری هم تغییر می‌کنند. بعد از بلوغ جسمی و فکری پسران و دختران برای تشکیل خانواده، همسری را انتخاب کرده و پس از آن، مراسم نامزدی انجام می‌شود. این مراسم به منزله آشنایی بیشتر با همدیگر و خانواده‌هایشان، طرز تفکر و اندیشه طرفین و شناخت هر چه بیشتر است.

گواه‌گیری در آتشکده

در آیین اشوزرتشت، پس از مراسم نامزدی آیین گواه‌گیری انجام می‌شود. مراسم گواه‌گیری همان پیوند زناشویی است. در این آیین پسر و دختر پیمان ازدواج می‌بندند و گواه‌گیری فرناز خواهر فرهاد هفته دیگر توسط موبد در آتشکده برگزار می‌شود که همه بزرگان خانواده شرکت می‌کنند.

کارت عروسی

فرهاد نه تنها آموزگار خود بلکه همه بچه‌های همکلاسی خود را برای عروسی خواهرش دعوت کرده و برای همه بچه‌ها کارت عروسی آورده است.

شادباش آموزگار

آموزگار کلاس وقتی که کارت عروسی را گرفت از طرف همه بچه‌های کلاس به فرهاد شادباش گفت و برای فرناز از خداوند یکتا آرزوی خوشبختی و تندرستی و دیرزیوی و درست زیوی کرد.

داماد

منوچهر پسر عموی فرهاد است و داماد را می‌شناسد؛ در مورد داماد به خانواده دختر آگاهی کامل داده شده است تا ایشان را بشناسند و در انتخاب همسر راهنمایی لازم را داشته باشند. داماد هم پس از پشت سر گذاشتن بلوغ جسمی و فکری، همسر خود را انتخاب کرده است.

بلوغ جسمی

آموزگار در کلاس درباره بلوغ جسمی برای دانش آموزان صحبت می‌کند که بلوغ جسمی یعنی سنی که در آن تغییراتی در بدن انسان به وجود می‌آید و معمولا دختران و پسران در سن ۱۵ سالگی است و زیر این سن، صغیر شناخته می شوند.

هماهنگی بلوغ جسمی و فکری

از نظر دینی، زمانی برای زناشویی مناسب است که در شخص همزمانی و هماهنگی میان بلوغ جسمی و فکری وجود داشته باشد و شخص چه از نظر فکری و چه از نظر جسمی بالغ شده باشد. و قانون و امکانات نیز به او این اجازه را بدهد.

مراسم گواه گیری

فرهاد وقتی که همراه پدرش برای دعوت کردن موبد به منظور برگزاری آیین گواه‌گیری می‌رود از موبد پرسش‌هایی درباره چگونگی این مراسم و برگزاری آن می‌کند و موبد به فرهاد پاسخ می‌دهد که این مراسم برای شروع زندگی مشترک و به وجود آمدن خانواده‌ای نوین است.

آیین گواه‌گیری مراسمی است که پس از پشت سرگذاشتن دوران نامزدی، پسر و دختر با هم عهد و پیمان می‌بندند و در کنار هم زندگی مشترک خود را آغاز می‌کنند. موبد این مراسم بسیار باستانی را موجب خوشبختی خانواده‌ها می‌داند زیرا با برگزاری این آیین، دختر و پسر با هم پیمان می‌بندند که به یکدیگر وفادار بمانند و در غم و شادی هم شریک باشند و در نیک منشی و راستی از یکدیگر سبقت بگیرند و آیین راستی را گسترش دهند.

خانواده نوین ازنظر دین زرتشتی

دختر و پسری که بعد از آیین گواه گیری زندگی مشترک خود را آغاز کرده‌اند، خانواده نوینی هستند. از نظر دین زرتشتی با گسترش راستی عمل کردن به پندهایی که در هنگام گواه‌گیری موبد به آن‌ها سفارش کرده، موجب رسیدن آن‌ها به مرحله رسایی و جاودانی است.

آیا می‌دانید که :

ازدواج در آیین زرتشتیان تک همسری است.

ازدواج در زمان ساسانیان به پنج صورت بوده : ۱-پادشاه‌زنی ۲-چکرزنی ۳-سترزنی ۴-ایوک‌زنی ۵-خودسرزنی

مقام پادشاه زن از دیگران بالاتر بوده است و به دختری گفته می‌شده که برای اولین بار با اجازه پدر و مادر به همسری پسری برگزیده می‌شد.

بیشتر بدانیم :

در مراسم گواه‌گیران موبد به عروس و داماد پند می‌دهد که این پندها را باید دختر و پسر بکار بندند تا موجب خشنودی اهورامزدا و نیکبختی آنان شود.

۱- نخست ستایش و نیایش دادار اورمزد است چرا که ما را از داد و دهش خویش از هر گونه ارزانی داشته است.

۲- دوم به پیامبری اشوزرتشت اسپنتمان بی‌گمان باشید و به دین استوار بمانید و به راستی و اشویی گرایید.

۳- به روان شادی درگذشتگان و دستگیری نیازمندان و یَشتن گهنبار کوتاهی نکنید.

برای آشنایی بیشتر:

اشوزرتشت در گات‌ها به این نکته اشاره فرموده‌اند که دختران در انتخاب همسر آزاد هستند و در یسنا هات ۵۳ بند ۳ و ۴ به انتخاب پورچیستا، کوچکترین دختر خود اشاره کرده است.

پرسش:

۱- مراسم نامزدی به چه منظور است؟

۲- مراسم گواه‌گیران به چه منظوری است؟

۳- «خانواده نوین» را تعریف کنید؟

۴- برای زناشویی از نظر دینی چه نوع بلوغی ضروری است؟

۵- چه چیزی موجب رسایی و رستگاری می‌شود؟

درس چهارم
بایستنی‌های دینی و مسوولیت رفتاری

بلوغ جسمی و فکری

نوجوان زرتشتی با پشت سر گذاشتن سن ۱۵ سالگی وسدره پوشی به یک نوجوان بالغ تبدیل می شود. البته بلوغ جسمی و فکری زمانی است که انسان بتواند درست بسنجد، درست انتخاب کند، خوب را از بد تمیز دهد و هر گاه که از هر جهت (بدنی و فکری) به حدّ لازم رسید، دیگر در برابر هر کاری که انجام می‌دهد، مسوولیت دارد؛ یعنی باید خرد خود را به کار اندازد و با وجدان آگاه هر کاری را انجام دهد چون نتیجه‌ی آن کار، خوب یا بد خود شخص باید جوابگو باشد. مسوولیت کارهای فرزندان تا قبل از سدره پوش شدن آنان بر دوش پدر و مادر است ولی پس از سدره‌پوشی، هر اشتباه و گناه و هر کاری، پای خودشان نوشته می‌شود و فرزند مسوول است.

مسوولیت در مقابل باور و دین

اهورامزدا جهان را آفریده و قانونی دقیق به نام «اشا» را بر آن حاکم کرده است به گونه‌ای که هیچ ذره‌ای را نمی‌توان خارج از این قانون دانست. باور ما به آیین راستی و منش نیک است بنابراین اگر دارای اندیشه‌ی نیک نباشیم و گفتار و کردارمان ناشایست باشد، باید احساس مسوولیت کنیم و خود را عوض کنیم.

اصول و پایه های دین

نخستین وظیفه‌ای که پدر و مادر و بعد مسوولان دینی جامعه دارند، این است که کودکان را از ابتدا با اصول و پایه‌های دین آشنا کنند تا بتوانند به اصول و پایه‌های دین ایمان بیاورند و آن‌ها را در زندگی خود بکار گیرند. مسوولیت دینی، همان در نظر داشتن و به اجرا گذاردن بایستنهای دینی است که بر اصول و پایه‌های دین است.

انجام بایستنی های دینی

اگر بایستنی‌های دین و اصول دین را گرامی داریم و در زندگی به کار بندیم، نه تنها آرامش را به دست می‌آوریم بلکه در جامعه نیز پیروز خواهیم بود. دیگران به ما احترام می‌گذارند، زیرا انجام بایستنی‌های دینی راهی برای خوشبختی خود و دیگران است.

مسوولیت افراد با ایمان

هر گروهی که در نظر بگیریم، خواه افراد یک خانواده، خواه دانش‌آموزان یک کلاس، خواه کارمندان یک شرکت و یا این که فردی از یک جامعه مثلاً یک ایرانی از کشور ایران، آنان که در این میان ، افرادی هستند که به خدا و نیکی و راستی ایمان بیشتری دارند، کار خود را برای رضایت خدا انجام می‌دهند و دارای منش نیک هستند. اینان مسوولیت پذیری بیشتری دارند، چون که از هر جهت بالاتر و بهتر می‌اندیشند و جوانبی را می‌بینند که دیگران یا نمی‌بینند یا چون به ضررشان است، نادیده می‌گیرند.

افراد مسوولیت‌پذیر و بایستنی‌های دینی

کسانی که قبول می‌کنند که کاری را انجام دهند، در برابر انجام آن کار مسوول هستند. آن‌ها باید آن کار را بسیار عالی انجام دهند یا حداقل در این راه بکوشند. کسانی که مسوولیت‌پذیرند، بایستنی‌های دینی را به بهترین نحو ممکن انجام می‌دهند.

رفتار و بلوغ جسمی و فکری انسان

انسان هر چه بزرگتر می‌شود، از نظر فکری و جسمی و تجربه و دانش اندوزی پربارتر می‌شود، رفتارش هم بهتر و مناسب‌تر می‌شود. کافی است رفتار یک شخص را در زمان کودکیش با نوجوانی و جوانی و میانسالی و کهنسالی مقایسه کنیم، آنگاه متوجه می‌شویم که انسان روز به روز بهتر از قبل خواهد شد و رو به تکامل می‌رود .

نگهداری از درختان کاشته شده با همکاری گروهی

با توجه به سودمندی‌های بسیار درختان، باید کوشش کنیم در نگهداری از درختان و هر گیاه سبزی بکوشیم. معتقدیم که تمیزی تن و روان و محیط زیست سلامتی می‌آورد، شادی می‌افزاید و پیروزی به دنبال خواهد داشت.

رفتارهای شایسته دینی در خانواده

در خانواده می‌توانیم کارهای نیکو و شایسته انجام دهیم؛ مثل نیکی کردن به پدر و مادر و اهل خانواده، راستگویی، درستکاری، اوستا خواندن و ... به طور خلاصه، نیک اندیش، نیک گفتار و نیک کردار باشیم و از را ه راست پیروی کنیم.

رفتارهای شایسته دینی در انجام مسوولیت‌ها

در تمام کارهایی که انجام می‌دهیم، همیشه خدا را در نظر داشته باشیم و سعی کنیم که از دستورهای پیامبر بزرگ ایرانی اشوزرتشت، پیروی کنیم.

آیا می‌دانید که :

دین از واژه «دئنه» در اوستا آمده و به معنی «وجدان آگاه» یعنی «نیروی تشخیص خوب از بد» بر پایه خرد و با آزادی و اختیار است.

بیشتر بدانیم :

بهشت یا بهترین مکان هستی (وَهیشتم مَنُو)، رسیدن به شادی و آرامش روان است که بازتاب اندیشه و کردار نیک انسان است. دوزخ یا بدترین مکان هستی (دروجو دِمانِه)، یعنی سرای اندیشه بد و، پیامد کژاندیشی است که در دو جهان مادی و مینوی (تن و روان)، به سوی انسان باز خواهد گشت.

پرسش :

۱- چه کسانی مسوول هستند؟

۲- چرا در مقابل باور و دین خود مسوول هستیم؟

۳- چه کسانی بایستنی‌های دینی را به بهترین نحو انجام می‌دهند؟

۴- چرا باید از درختان کاشته شده، نگهداری کنیم؟

۵- رفتارهای شایسته دینی چیست؟

درس پنجم
دوختن سدره

سدره برای چه دوخته می‌شود

سدره پیراهنی سپید به نشانه پوششی دنیوی است برای ارتباط با جهان مینوی است که هر زرتشتی‌زاده زمانی که به نظر پدر و مادر خود به بلوغ دینی و اجتماعی میان ۷ تا ۱۵ سالگی رسید، با جشنی شاد و روحانی، آن را به تن می‌کند تا خود را با پیام‌های اشوزرتشت همراه کند. در هنگام خواندن اوستا، روی سدره کشتی به کمر بسته می‌شود که سدره و کشتی نشانه بیرونی زرتشتیان است.

پارچه لازم برای دوختن سدره

مقدار پارچه‌ای که برای دوختن سدره لازم است، بستگی به اندازه فرد دارد ولی معمولاً یک متر و نیم پارچه از جنس نخی و پنبه‌ای سپید رنگ به عرض ۹۰ سانتی متر لازم است.

سدره باید بدون یقه باشد

سدره باید بدون یقه و با آستین‌های کوتاه دوخته شود که خیلی ساده است. در دوختن آن هیچگونه فلز یا دکمه‌ای به کار نمی‌رود و این نشانه سادگی و بی‌پیرایگی اخلاق است.

کیسه کرفه برای دوام و برای یادآوری

کیسه کرفه، کیسه کار نیک هم خوانده می‌شود، یادآور این است که همه کردارهای خوب روی هم انباشته می‌شود و آدمی را به خوشبختی می‌رساند. کیسه کرفه در جلوی سدره دوخته می‌شود تا با دیدن آن کارهای نیک بیشتری را از روی باور و صفا انجام دهیم.

تکه‌های تعیین شده برای بریدن سدره

سدره از پارچه یکسره بریده می‌شود و درز سرشانه ندارد. دو تا کیسه کوچک یکی کیسه کرفه و یک کیسه که پشت گردن سدره دوخته می‌شود به نام گُرده و دو تا تکه پارچه صاف که به عنوان آستین کوتاه دور حلقه آستین دوخته می‌شود.

درزهای سدره

سدره ۹ درز دارد که یادآور ۹ اصل دین زرتشتی می باشد که در درس اول پایه‌های دین زرتشتی توضیح داده شده است.

طرز دوختن سدره دخترانه و پسرانه

سدره دخترانه و پسرانه از نظر مقدار پارچه با هم فرقی ندارد، فقط بنا به طرز لباس پوشیدن دختران، یقه و حلقه آستین سدره دخترانه گشادتر است.

چند نکته درباره سدره

سدره، پوششی است چسبیده به تن با آستین‌های کوتاه از پارچه پنبه‌ای یا ململ سپید رنگ که از گریبان به پایین چاکی دارد که تا سینه می‌رسد و در انتهای آن کیسه کوچکی قرار گرفته که

کیسه کرفه یا ثواب نامیده می‌شود. ۹ پاره سدره به نشانه ۹ پایه دین زرتشتی است. سدره از نشانه‌های برونی زرتشتیان به شمار می‌رود.

سپیدی رنگ سدره

در اوستا می‌خوانیم: «سپنته دَینیا مازدیسنواش اپه مَنم» یعنی رنگ سپید نشان دین مزداپرستی است. در فرهنگ زرتشتی نیز سفیدی نماد پاکی تن و روان، همچنین «وهومن» است.

آیا می‌دانید که :

سدره از ۹ پاره پارچه تشکیل شده و ۹ پایه دین زرتشتی را نشان می‌دهد :

۱- باور به هستی و یکتایی اهورامزدا ۲- باور به پیامبری اشوزرتشت ۳- باور به پیروی از قانون اشا (راستی و پاکی) ۴- باور به جاودانی روان و جهان مینوی ۵-باور به برابری همه انسان‌ها ۶- باور به نیکوکاری و دستگیری از نیازمندان ۷- باور به امشاسپندان (شش فروزه بارز اهورامزدا) ۸- باور به مقدس بودن چهار آخشیج ۹- باور به فرشکرد (نوخواهی و رستاخیز)

پرسش:

۱ - نُه (۹) درز سدره، نشانه چیست؟

۲- واژه اوستایی سدره چیست و به چه معنی است؟

۳- چرا در دوختن سدره، دکمه یا فلزی به کار نمی رود و نشانه چیست؟

۴- کیسه کرفه در جلوی سدره نشانه چیست؟

۵- سپیدی رنگ سدره نماد چیست؟

۶- نشانه برونی زرتشتیان را بنویسید.

درس ششم
تخته نرد نمادی از درس زندگی

بازی تخته نرد

« تخته نرد» نوعی بازی است که از یک تخته‌ی مسطح و سی عدد مُهره (نیمی به رنگ سیاه و نیمی دیگر سفید رنگ) و دو عدد تاس مکعب شکل تشکیل شده است. سطح تخته نرد دارای دو قسمت مشابه است که در هر قسمت شش خانه در سوی راست و شش خانه در سمتِ چپ قرار دارد. سی مهره را به شکل و ترتیبِ ویژه‌ای در این خانه‌ها چیده می‌شود. بازی نرد تنها دو بازیکن دارد که در برابر یکدیگر می‌نشینند و هر کدام پانزده مهره در اختیار دارند و با ریختن تاس‌ها و دیدن شماره‌های آن، مهره‌های خود را به جلو می‌برند. هر گاه مهره‌ی حریف به شکل تک در سر راه باشد آن را می‌زنند و پیش می‌روند تا به شش خانه‌ی آخر برسند. نتیجه‌ی بازی نرد این است که هر یک از دو حریف که بتواند مهره‌هایش را زودتر به شش خانه برساند و بیرون بِبَرَد، برنده‌ی بازی است.

تاریخچه تخته نرد

هنوز به درستی مکان و زمان ساخت و سازنده‌ی تخته نرد بر هیچ کس آشکار نیست. پژوهندگان بر این باورند که پیدایشگاه تخته نرد می‌تواند ایران، هند، چین و حتی مصر باشد.

اما گویی روایت آمدن بازی شطرنج به ایران و رفتن بازی تخته نرد به هندوستان بیش از دیگر روایت‌ها مورد پذیرش است. آنجا که فردوسی می‌گوید: «سفیری از هند با هزار بار شتر از کالاهای گوناگون به دربار ایران می‌آید و بازی شطرنج را به انوشیروان نمایش می‌دهد. سفیر هند پیمان می‌بندد تا چنان چه شاه راز بازی شطرنج را بگشاید به غیر از خراج سالانه هزار بار شتر از اجناس گوناگون از هند به ایران گسیل دارد؛ وگرنه انوشیروان می‌بایست نه تنها از خراج گرفتن درگذرد، بلکه خود خراجگزار هند شود. انوشیروان از وزیر دانشمند خود، بزرگمهر حکیم یاری می‌خواهد. بزرگمهر راز بازی شطرنج را به سفیر هند بازمی‌گوید. چندی بعد بزرگمهر بازی نرد را به دربار شاه هند می‌برد و این بار اوست که پیمان می‌بندد تا چنانچه دربار هند راز بازی را بگشاید، ایران خراجگزار هند شود. درباریان هند از گشودن راز بازی درمی‌مانند و بزرگمهر پیروزمندانه به ایران بازمی‌گردد.»

سرنوشت و بخت در فرهنگ زرتشتی

گاهی در یک بازی برنده هستیم و گاهی بازنده، بسیاری در کارهای کوچک و بزرگ شکست می‌خورند یا پیروز می‌شوند و آن‌ها هم این شکست و پیروزی را به یاری سرنوشت و بخت می‌گذارند.

در میان گروه‌های گوناگون مردم برای سرنوشت و بخت افسانه، سرگذشت و مَتل‌های زیادی ساخته شده است. مانند داستان نخود مشکل گشا که در آن به یکباره گردنبند دختر پادشاه ناپدید می‌شود و هیزم‌فروش بی‌گناه به زندان می‌افتد و با یافتن گردنبند، هیزم فروش آزاد می‌شود، یا همین داستان دوران کودکیمان «خروس زری پیرهن پری» که خروس چند باری با خوش‌شانسی از چنگ

روباه نجات پیدا می‌کند. در حالی که در بازی تخت نرد می آموزیم که هم بخت مهم است و هم خرد و اندیشه و درایت بازیگر.

قانون اشا در آمار

قانون اشا یا «راستی» قانون اهورامزدا است. اشوزرتشت این قانون حاکم بر طبیعت را «آشا» نام نهاده. اشا یعنی راستی. راستی در چرخش جهان، راستی در گردش زمان، راستی در منش، گویش و کُنش، از راستی است که ستارگان می‌چرخند، از راستی است که نور ماه می‌افزاید و می‌کاهد، از راستی است که زمین و آسمان استوارند...

خواسته‌های انسان

خواسته‌های انسان تمام شدنی نیست. بی‌شک همه، آرزوها و رویاهای زیادی از دوران کودکی تا کهنسالی با خود به همراه داریم. اما بی‌شک خواسته‌هایی که هدفمند باشند انسان را به تلاش و کوشش وامی‌دارد و این تلاش و کوشش انسان را به مانند آبِ روان به حرکت وامی‌دارد تا هر روز زندگیش تازه و نو باشد و آبادانی به بار آورد.

انسان در برابر مشکلات

یک قطره آب تازه برای پیوستن به دریا، راه زیاد و سختی را می‌پیماید. چه بسا قطره‌هایی که تاب سختی‌ها را نیاورده‌اند و در دل زمین فرو رفتند. بی‌گمان انسان نیز برای رسیدن به خواسته‌ها و هدف خود باید در برابر سختی و مشکلات ایستادگی کند. انسان باید از خرد اهورایی خود برای سامان بخشیدن به زندگی خود، سود ببرد.درست‌اندیشی نهاد و وجدان انسان را روشن می‌سازد و در انجام دادن کارها راهنمایی می‌کند.

صبر و شکیبایی برای هماهنگی با قانون اشا

نباید انسان آن چه را که «مشکل» می‌پندارد، سدی در برابر خواسته‌ها و آرزوهایش باشد. قانون اشا آن است که هرگاه کاری با اندیشه‌های نیک، در زمان درست و با ابزاری درست برای آرمانی نیک و شایسته انجام گیرد، بی‌شک بهره‌ای جز پیروزی در بر نخواهد داشت.

تلاش و بهترین تصمیم برای رفتار مناسب

برای داشتن کردار شایسته و نیکو، باید بکوشیم که همواره اندیشه و گفتاری نیکو داشته باشیم و راه راستی و اشویی را پیشه کنیم.

فلسفه زندگی در فرهنگ زرتشتی

زندگی تلاشی است برای پیروز شدن بر بدی‌ها و زشتی‌ها و کژی‌ها و کاستی‌ها، راهی است برای رسیدن به اشویی و پاکی و پیش بردن و سازندگی جهان و جهانیان.

مبارزه و تلاش برای پیشرفت

همان‌گونه که در بازی تخته نرد، برای بُردن تلاش می‌کنیم، برای پیشرفت در زندگی نیز باید کوشید. در واقع زندگی نیز نوعی بازی است که کسی برنده است که بتواند روز به روز جلوتر برود و به هدف درستش نزدیکتر شود.

درست اندیشی

سال‌های سال است که از پیدایش تخته نرد می‌گذرد. در بازی تخته نرد تنها اتفاق و بخت بر بازی فرمانروایی نمی‌کند، درست‌اندیشی نیز بر سرنوشت بازی تأثیر دارد. شاید کس یا کسانی که سازنده‌ی این بازی بودند، بازی تخته نرد را به زندگی انسان شبیه دانستند که نمی‌باید چشم به «بخت» دوخت، بلکه با اندیشه‌ای ژرف، زندگی را تازه و نو گرداند و از هر فرصتی با اندیشه و خرد به نفع پیشرفت نیکی و راستی بهره‌جویی کرد.

تلاش برای دستیابی به امکانات جهان

در این دنیای پهناور، خداوند همه چیز را در اختیار انسان قرار داده است. شایسته است که با تلاش و کوشش خود، بتوانیم به دانش مناسب دست یابیم و به کمک آن بتوانیم بهترین بهره را از نعمت‌های خداوند ببریم.

آیا می‌دانید که :

در اندرز آدرباد ماراسپند بند ۱۱۹ آمده که تنها شخص تنبل و کاهل است که همیشه بر شانس بد خود لعنت می‌فرستد.

تَنسَر (موبد زمان ساسانیان) در نامه خود به جسنف شاه طبرستان می‌نویسد: «انکار نیروی بخت در زندگی آدمیان کار غلطی است، ولی دست از کار و کوشش و فعالیت کشیدن هم نادرست است.»

بیشتر بدانیم :

بزرگمهر می‌فرماید: «بخت و کوشش مانند تن و جان هر دو به هم وابسته‌اند. همان‌گونه که هرگاه جان از تن جدا شود، تن به نابودی گراید یا جان بدون تن کاری نتواند کرد، پس بخت و کوشش هر دو در زندگی لازم و ملزوم یکدیگرند. بخت و کوشش وسیله ترقی است.»

این جمله را باید همواره به خاطر داشت: ***«بخت دست ما نیست ولی اندیشه و کوشش کاملاً در اختیار ماست.»***

پرسش :

۱- درباره بازی تخته نرد چه می‌دانید؟

۲- چه کسی بازی نرد را به دربار شاه هند می‌برد؟

۳- به نظر شما بخت و سرنوشت چه نقشی در زندگی انسان دارند؟

۴- قانون اَشا چیست؟

۵- برای مبارزه با سختی‌ها و مشکلات چه باید کرد؟

۶- آیا برای پیشرفت و موفقیت فقط بخت باید با ما یار باشد؟

۷- برای دستیابی به امکانات جهان چه کنیم؟

درس هفتم

برای نوروز خانه تکانی کنیم

نزدیک شدن نوروز و خریدهای نوروزی

جمشید از مدرسه به خانه برگشته بود؛ پیش از آن که وارد خانه شود، بند کفش‌هایش را باز کرد، آن‌ها را از پا درآورد و کنار یکدیگر جفت کرد.

جمشید نگاهی به کفش‌هایش انداخت. امروز سر کلاس حرف‌هایی از آموزگارشان شنیده بود که برای او ریختِ کفش‌هایش را از روزهای دیگر کهنه‌تر نشان می‌داد. امروز آقای تابنده سر کلاس از نوروز، تهیه کفش و لباس نو و خانه تکانی و خلاصه از این چیزها حرف زده بود. جمشید وارد خانه شد، روزگار نیک گفت و با شنیدن پاسخ مادرش به سوی صدا رفت که از آشپزخانه می‌آمد.

مادرش با دیدن قیافه‌ی جمشید گفت: به نام خدا! چه شده مادر؟ قیافه‌ات درهم بَرهَم است.

جمشید کنار مادرش ایستاد و گفت: «کفش‌هایم مامان! کفش هایم خیلی کهنه شده، برای نوروز باید همین‌ها را بپوشم؟» مادرش که مشغول تمیز کردن داخل قفسه‌های آشپزخانه بود، دست از کار کشید و با تعجب گفت: «نه! برایت کفش نو می‌خریم.»

ارنواز با شنیدن صدایِ جمشید، از آمدنِ او باخبر شده بود. او در آستانه آشپزخانه ایستاده بود، پرسید: «پس من چی؟»

تهمینه خانم، مادر جمشید و ارنواز خندید و گفت: «تحمل داشته باشید، من و پدرتان برای هر دوی شما خرید خواهیم کرد. خرید پوشاک و نو نوار شدن هم خودش یکی از آداب نوروز است. این روزها من و بابا خیلی گرفتاریم، هم باید خانه تکانی نوروز را انجام دهیم و هم به خریدهای نوروزی برسیم.»

نوروز یادگار جمشید پیشدادی

جمشید در حالی که در یخچال را باز می‌کرد، گفت: «امروز آقای تابنده خیلی درباره نوروز حرف زد. او خیلی خوش‌سخن است، وقتی حرف می‌زند همه‌ی بچه‌ها شش دانگ حواسشان به گفته‌های اوست.» سیبی از یخچال برداشت، در یخچال را بست و ادامه داد: «از پیدایش نوروز گفت و از این که نوروز یادگار پادشاهی به نام جمشید پیشدادی است، سخن گفت.»

جمشید بادی به غبغبش انداخت، دو دستش را به نشانه پیروزی بالا برد و گفت: «بله پادشاهی که نامش را از من و پدربزرگم گرفته است.» و ارنواز و تهمینه خانم زدند زیر خنده. سپس ارنواز با کنجکاوی پرسید: «آقا پاینده دیگر چی گفت؟»

جمشید: ارنواز جان! آقا پاینده نه، آقای تابنده را او گفت جمشید پادشاهی بوده اسطوره‌ای یا حماسی که به دیوها دستور داده بود که تخت بزرگی برایش بسازند. بعد روی تخت نشست و دیوها چهار گوشه تخت را روی شانه‌شان گذاشتند و به آسمان پرواز کردند. مردم از دیدن پادشاه خود در آسمان شگفت زده و شادمان شدند و گفتند این روز نو است.

ارنواز: «همین جمشید شاه گفت که مردم برای نوروز خانه تکانی کنند؟»

جمشید خندید، تهمینه خانم روی صندلی نشست، دخترش را روی پاهایش قرار داد و گفت: «نه مادر جان، کارهای پیش از نوروز، خرید لباس نو، چیدن سفره هفت سین از سنّت و آداب نوروز است. همین خانه تکانی هم از آداب نوروز است. دین زرتشتی برای پاکی و تمیزی اهمیت فراوانی قایل است.»

زودتر خانه تکانی کردن

جمشید: «اما مامان، چرا خانه تکانی را زود شروع کردی؟»

مادر: «ما زرتشتیان بر این باوریم که فروهرهای درگذشتگان از ده روز پیش از نوروز برای دیدن بازماندگان خود باز می‌گردند. به همین دلیل است که زرتشتیان از اوایل اسفند خانه تکانی و پاک سازی پیرامون زندگی خود را بیش از پیش آغاز می‌کنند، وسایل تازه به خانه می‌آورند. پوشاک نو می‌پوشند و برای جشن و شادی آماده می‌شوند تا فرَوَهرها به هنگام فرود آمدن، بازماندگان را هماهنگ با طبیعت، شاد و خرّم، پاک و تازه ببینند و با خشنودی و آرزوی برکت و بهروزی برای آنان، خود به سرای خویش بازگردند. در شب پیش از نوروز، زمانی که تاریکی آخرین شب سال در برابر سپیده دم نخستین روز بهار، رنگ می‌بازد، با افروختن آتش بر بالای بلندی یا بام خانه‌ها، بازگشت فروهرها از زمین را بدرقه می‌کنند و با نیایش خود، خشنودی روان و فروهر درگذشتگان را فراهم می‌سازند و بازآمدنشان را در آغاز سال بعد آرزو می‌دارند، ما زرتشتیان تا ۱۰ روز خانه تکانی شب عید و با آتش افروزی به استقبال فروهرها می‌رویم و در ۱۹ فروردین (فرودگ) فروهرها را بدرقه می کنیم.

زرتشتیان از یکی دو ماه پیش، برای آماده کردن پوشاک و کفش نو برای افراد خانواده، به تلاش می‌افتند و می‌کوشند تا همه‌ی اعضای خانواده به ویژه بچه‌ها، به هنگام نو شدن سال، رخت‌های کهنه سال گذشته را به تن نداشته باشند.

سرسبزی و نو شدن طبیعت در نوروز (سر سفره نوروزی نماد هفت امشاسپندان قرار دارد)

ارنواز: «چکاوک خانم هم سر کلاس برای ما از آمدن بهار حرف زد که همه جا قشنگ می‌شود، درخت‌ها سبز می‌شوند و گل‌ها غنچه می کنند. ما هم باید برای نوروز پاک و نو شویم.»

مادر بوسه‌ای به گونه‌ی ارنواز زد و گفت: «شما باید در خانه تکانی به من و پدرتان کمک کنید؛ همین اندازه که اتاق و وسایل تان را مرتب و پاکیزه کنید، کمک بسیار زیادی کرده‌اید.

جمشید گفت: «ارنواز امسال که کار کردن با آبرنگ را یاد گرفته‌ای می‌توانی تخم‌مرغ‌های سفره هفت‌سین را رنگ بزنی.» و ارنواز با خوشحالی دست‌هایش را به هم زد و گفت: «آخ جون». جمشید ادامه داد: مامان! سبزه را کی سبز می‌کنی؟

مادر: الان زود است از ده، پانزده روز پیش از نوروز دانه‌ی حبوبات را خیس می‌کنم.

ارنواز: به بابا می‌گویی برای خریدن سبزه و گل مرا هم با خود همراه کند؟

مادر: البته، بگذار فکر کنم گلدان بلوری را کجا گذاشتم.

جمشید: حالا که داری فکر می‌کنی، فکر کن آن سفره‌ای که می‌گفتی مِمَس در یزد هفت سین را روی آن می‌چیده در کدام چمدان گذاشته‌ای؟

تهمینه خانم خندید و گفت: چشم! تا شما دستتان را می‌شویید من سفره ناهار را می‌چینم.

ارنواز از روی پای مادرش پایین آمد و گفت که می‌رود خانه تکانی اتاقش را شروع کند.

پیش از بیرون رفتن از آشپزخانه رو به جمشید کرد و گفت: آقا جمشید، آن اتاق، اتاق شما هم هست، من فقط سهم خودم را خانه تکانی می‌کنم.

جمشید و تهمینه خانم نگاهی به هم انداختند و از شیرین زبانی ارنواز لبخندی زدند.

بیشتر بدانیم :

در سفره نوروزی به جز ((نمادهایی از امشاسپندان))، میوه، خوراکی و چیزهای دیگری هم وجود دارد. کماچ شیرین، نان شیر و چند نمونه شیرینی خانگی در سفره نوروز قرار می‌دهند. کتاب اوستا نامه کیش زرتشتیان را در کنار آیینه و گلابدان پر از گلاب می‌گذارند.

چراغ روشن که نماد فروغ ایزدی و نیک اندیشی و راستی است، نیز در سفره وجود دارد. چند تخم مرغ ساده و رنگ کرده را هم که نشان باروری می‌دانند، در سفره می‌چینند.

کتاب مقدس اوستا - شیر و تخم مرغ نماد وهومن- آتش نماد اردیبهشت- سکّه و فلزات نماد شهریور- کشیدن سفره درسطح زمین نماد سپندارمزد - آب نماد خرداد- لرک و میوه و گل و گیاه نماد امرداد

برای آشنایی بیشتر:

*در فروردین یشت، کلمه **فروشی** در اوستا مونث است. یشتی که ویژه این فرشته است، بلندترین یشت‌های اوستاست، از فقره یک تا نود و شش به طور عموم از بزرگی و جلال و کارهای فروهرها صحبت می‌شود. از فقره مذکور تا آخر، از فروهر پاکان و پادشاهان و نامداران و پرهیزگاران و همه مقدسان مشهور یاد شده و به هر یک درود فرستاده شده است.*

پرسش:

۱- جشن نوروز از زمان کدام پادشاه به یادگار مانده است؟

۲- چه افسانه‌ای برای برقراری و به وجود آمدن جشن نوروز می‌گویند؟

۳- خانه تکانی نوروز برای چیست؟

۴- شب پیش از نوروز چه مراسمی داریم؟

۵- سر سفره هفت‌سین چه چیزهایی می‌گذاریم؟

درس هشتم

بیماری پدربزرگ

سرماخوردگی شدید پدربزرگ

آن روز نوشزاد بعد از اینکه از مدرسه به خانه برگشت، شنید که پدرش با مادربزرگ (مِمَس) صحبت می‌کند. نوشزاد همان طور که لباسش را به جالباسی آویزان می‌کرد به صحبتهای پدرش پای تلفن گوش می‌کرد. فهمید که پدربزرگش سرمای شدیدی خورده است و مادر بزرگ از فرزندش یعنی پدر نوشزاد کمک می‌خواهد. نوشزاد از شنیدن این خبر خیلی ناراحت شد، زیرا پدربزرگش را خیلی دوست دارد. او به یاد می‌آورد که پدربزرگ چند ماه پیش بستن کشتی را به او یاد داده و منتظر است تا هر چه زودتر نوه‌اش سدره پوش شود.

دعای نوشزاد برای پدربزرگ

نوشزاد برای سلامتی بامسش همان‌طور که به او یاد داده است، اوستای تندرستی و ویسپ‌ستایش را می‌خواند و از اهورامزدا یاری می‌خواهد و بعد برای کمک به بامس، همراه پدرش می‌رود.

داروهای پدربزرگ و یاری عمه نوشزاد

وقتی به خانه آن‌ها می‌رسند، مادربزرگ داروهایی را که از داروخانه گرفته است به پدر نشان می‌دهد که در میان داروها، آمپول هم به چشم می‌خورد. همگی به اتاق پدربزرگ می‌روند، در آنجا نوشزاد عمه‌اش را می‌بینند که برای پدربزرگ آش برنج همراه با لیموترش آماده کرده است. سپس نوشزاد به درمانگاه محل می‌رود تا پرستار را برای زدن آمپول پدربزرگ همراهی کند.

کمک همسایه به پدربزرگ

همسایه پدربزرگ نیز مقداری بخور در آب می‌ریزد و در حالی که برای پدربزرگ می‌آورد می‌گوید که بیماری حاصل به هم خوردن تعادل در بدن است ولی انسان با اندیشه و کشف دارو، بر بیماری غلبه می‌کند و نوشزاد حس می‌کند که پدربزرگ دارای روحیه قوی و در مقابل بیماری‌ها بسیار مقاوم است.

سپاس مادربزرگ از دادار اورمزد و نزدیکان و همسایگان

مادربزرگ از همکاری و کمک همسایه و فرزندان، بسیار خرسند است و اهورامزدا را سپاس می‌گوید که در هنگام بیماری همسرش، دست تنها نبوده است. به این ترتیب مادربزرگ می‌تواند امیدوار باشد که به یاری اهورامزدا و دارو و درمان و یاری نزدیکان و همسایگان، پدربزرگ دوباره سلامتی‌اش را به دست بیاورد.

آرزوی پدربزرگ

پدربزرگ امیدوارست که به زودی خوب شود تا بتواند سدره‌پوشی نوه‌اش را ببیند و به او افتخار کند. برای همین به نوشزاد امیدواری می‌دهد که هفته دیگر با سلامتی کامل در مراسم سدره‌پوشی نوه‌اش شرکت کند.

آیا می‌دانید که :

تندرستی یعنی هماهنگی و سازگاری اندام‌های بدن و درستی و سلامتی روان یعنی سازگاری اندیشه و گفتار و کردار با اشویی و راستی یا به زبان دیگر سازگاری دل و زبان با راستی است.

اوستای تندرستی و آتش نیایش برای سلامتی و تندرستی فرد یا افراد خوانده می‌شود.

برای آشنایی بیشتر :

در اندرز گواه آمده است: «داد و آیین امرداد امشاسپند تندرستی و دیرزیوی است. تن خود را درست و توانا دارید. از دُرَج (میکروب و عامل ناخوشی) و پلیدی دوری کنید.

خانه و جامعه را پاک و بی‌آلایش دارید. آب ایستاده (راکد) خشکانید و جایش کشتزار کنید. دار و درخت افزایید. درخت جوان مَبرید. بر و میوه نارسیده مچینید. دارو و درمان به ارزانیان (مستحقین) دهید. دردمندان و افتادگان را پرستار باشید.»

پرسش :

۱- چرا نوشزاد و پدرش به خانه مادربزرگ رفتند؟

۲- مادربزرگ به چه خاطر اهورامزدا را سپاس می‌گوید؟

۳- بر طبق آموزش‌های اشوزرتشت چطور می‌توان بر بیماری غلبه کرد؟

۴- از همکاری و کمک پدر و خانواده‌اش به مادربزرگ چه نتیجه‌ای می‌توان گرفت؟

درس نهم
پیامبری اشوزرتشت

وضعیت اجتماعی زمان اشوزرتشت

جهانی می‌بینیم که از خشم و جور و ستم می‌نالد. همه به ستوه آمده‌اند و نمی‌دانند به که روی آورند از یک سوی کسانی تازه زندگی چادرنشینی و دربدری را رها کرده بودند، انجمنی برپا کرده به زندگانی و آبادانی پرداخته‌اند و دست به ساختن خانه و ده و شهر و کشور زده‌اند؛ ولی از دست راهزنان بیابانی و ستمکاران خانه به دوش آرامش ندارند. از سوی دیگر کسانی خود را پیشوایان دینی خوانده، زندگی را بر مردم بیچاره تنگ کرده‌اند.

حکومت پیشوایان اجتماعی

مردم سرزمین ایران پیش از اشوزرتشت نمادهای طبیعی، خدایان وابسته به آن‌ها را که «دیو» می‌نامیدند ستایش می‌کردند. در آن زمان، ساحران و جادوگران (کرپن‌ها و اوسیج‌ها) با کمک قدرتمندان زمان (کاوی‌ها) مردم را به معابد و نیایشگاه ها دعوت می‌کردند، با آن‌ها از نیروهای خدایان پنداری سخن می‌گفتند و آن‌ها را وادار می‌کردند تا برای خشنودی خدایان پنداری، قربانی‌های زیادی دهند.

حکومت پیشوایان دینی بر باورهای مردم

هر نماد طبیعت خدایی داشت. خدای آسمان، خدای زمین، خدای باد، خدای باران، خدای آب، خدای آتش، خدای این و خدای آن و همه هم تا باج‌های خونین خود را ، آن هم به دستیاری پیشوایان مذهبی، نمی‌گرفتند، کمک نمی‌کردند و به داد کسی نمی‌رسیدند و چه بسا که دست به جور و ستم می‌گشودند. یا باران نمی‌آمد و یا اگر می‌آمد، همه چیز را با خود می‌برد، یا راهزنان را برمی‌انگیختند تا خانمان‌های آباد را بر باد دهند و مردان را به خاک و خون کشند، زنان و کودکان را به بردگی برند و یا بیماری‌های گوناگون را به سراغ مردم گیج بیچاره می‌فرستادند که تنها پناه‌شان روی آوردن به پیشوایانی بود که این پندارها را برای بازارگرمی خود می‌بافتند. آنان هم قربانی بیشتر می‌خواستند، خون بود که ریخته می‌شد، مِی بود که گسارده می‌شد. پیشوایان بد مست به پیشگویی و غیبگویی می‌پرداختند. پیشگویی‌ها همه‌اش دو جانبه بود. پیشامدهای نیک و بد را به همین حساب‌ها می‌گذاشتند.

چگونگی برخورد اشوزرتشت با پیشوایان دینی و اجتماعی

اشوزرتشت در برابر پندار پرستی و پنداربافی ایستاد. همانا چنین کاری به پیشوایان پندارباف و پندارگر گران افتاد، زیرا از گرمی بازار آنان می‌کاست و آن را برمی‌انداخت.

گله مندی روان آفرینش از بی‌عدالتیهای اجتماع

بی‌عدالتی در اجتماع و فشار پیشوایان دینی و اجتماعی بسیار زیاد و طاقت فرسا بود که حتی روان آفرینش نیز سخن به گله برداشت و شکایت کرد. همان‌گونه که در گات‌ها می‌خوانیم:

«نزد شما روان جهان به گله منداست
چرا مرا ساختید؟
که مرا ساخت؟
خشم، ستم، جور، درشتی و زور
سخت مرا گرفته
مرا جز شما پشتیبان دیگری نیست
مرا به باشندگان خوبی راه نمایید.»

گزینش اشوزرتشت به پیامبری به وسیله وهومن و اَشا

اهورامزدا که بر همه چیز آگاه است و بهتر از همه می‌داند که چه کسی را برای انجام این کار بزرگ برگزیند، نخست از «اَشا» می‌پرسد که او چه کسی را برای کار شایسته می‌داند. «اشا» می‌گوید که او کسی را نمی‌شناسد ولی با «گئوش اوروان» همداستان است که چنین کسی باید نیرومند و توانا باشد. سپس اهورامزدا با «وهومن» مشورت می‌کند و در حالی که وهومن سرگرم اندیشیدن است، می‌گوید که او اشوزرتشت را برای این کار در نظر دارد. منش نیک (وهومن) و راستی (اَشا)، اشوزرتشت را برای معرفی انتخاب می‌کنند.

گسترش راستی به کمک منش نیک

در یسنای ۳۱ بند ۸ می‌فرماید: «آنگاه که وهومن بر من آشکار شد، در اندیشه خود دریافتم که تویی سرآغاز و تویی سرانجام و تویی آفریننده راستی و تویی پدر منش نیک.»

برای گسترش راستی و درستی و اشا ابتدا باید منش نیک داشت زیرا بدون اندیشه نیک، نمی‌توان گفتار و رفتار نیکی داشت.

خرَد انسان

اشوزرتشت هر انسانی را دارای خرد و وجدان می‌داند. او زندگانی درست و دین راستین را در خرد و وجدان خود می‌شناسد و مردمان را به رفتار نیک فرامی‌خواند.

اندیشه و استقلال هر انسان در گزینش راه نیک

هر کس در باور و گزینش روش زندگی خود با توجه به نتایجی که بر هر گونه رفتاری است، آزاد است. دانایان روش خوب را و نابخردان روش بد را انتخاب می‌کنند.

اشوزرتشت از راه خرد، مردم را به شنیدن سخنان خود و اندیشیدن و پذیرش دین راستین فرامی‌خواند. هر انسانی باید با اندیشه و استقلال فردی راه نیک را خود برگزیند.

آیا می‌دانید که :

نَسَب زرتشت را روایات به منوچهر، پادشاه پیشدادی می‌رسانند. زرتشتیان در نوشته‌های خود آن وخشور (پیامبر) را به نام اشوزرتشت یا شت زرتشت می‌نامند و در کتاب اوستا بیشتر به نام سپیتاما زرتشتره spitama zaratoshtra یا «زرتشت اسپنتمان» بر می‌خوریم.

برای آشنایی بیشتر :

در یسنا، هات ۲۹ بند ۸ می فرماید:

«اهورامزدا می‌فرماید: یگانه کسی که به دستورات الهی گوش فرا داد و من او را خوب می‌شناسم، همانا زرتشت اسپنتمان است. تنها اوست که خواستار آموزش آیین راستی و سرودهای ستایش مزدا است. بنابراین به او شیوایی بیان خواهیم بخشید.»

پرسش :

۱- وضعیت اجتماعی زمان اشوزرتشت را بنویسید.

۲- در زمان اشوزرتشت چه کسانی بر مردم حکومت می‌کردند؟ نام ببرید.

۳- نحوه برخورد اشوزرتشت با پیشوایان دینی و اجتماعی چگونه بود؟

۴- گله مندی «روان آفرینش» از چه بود؟

۵- یاور اشوزرتشت برای گسترش راستی و عدالت چه بود؟

۶- یسنا ۳۱ بند ۸ چه می گوید؟

۷- «خرد» در دین زرتشتی چه جایگاهی دارد؟

درس دهم
آزادی از دیدگاه اشوزرتشت

واژه‌ی اوستایی منش نیک

منش نیک از واژه اوستایی «وهومنه» یا «وهومن» است که در فارسی «بهمن» شده است که از دو جزو «وهو» یا «وه» به معنی «بهترین نیک» و «من» به معنی اندیشیدن است.

پیروی از منش نیک

((با پیروی از منش نیک، به بالاترین درجه‌های انسانی می‌توان رسید. همان‌طور که در گات‌ها آمده است. به این انگیزه که بهمن است که همواره وظیفه میانجی را در گفت و گوهای یزدانی و رساندن وحی خدایی به اشوزرتشت را عهده‌دار است. در این کار هدفی والا نهفته است، چه مینو و روان آدمی در وجود «بهمن» با مینوی یزدانی یکی می‌شود تا از این رهگذر به شناخت‌هایی برسد و با توجه به گات‌ها می‌توان فهمید که منش نیک سرچشمه خوشبختی و رستگاری انسان در هر دو جهان است.))

آزادی در گات‌ها

در گاتها، سرودهای اشوزرتشت، همه جا از آزادی فکر و اندیشه و انتخاب راه سخن می‌رود. همان‌گونه که در یسنا (هات ۳۱ بند ۱۱) می‌فرماید: «ای خداوند خرد هنگامی که در روز ازل جسم و جان آفریدی و از منش خویش نیروی اندیشیدن و خرد بخشیدی زمانی که به تن خاکی، روان دمیدی و به انسان نیروی کار کردن و سخن گفتن و رهبری کردن عنایت فرمودی، خواستی تا هر کس به دلخواه خود و با کمال آزادی کیش خود را برگزینند.»

جلوه‌ی آزادی در اندیشه

در یسنا هات ۳۰ بند ۲، اشوزرتشت می‌فرماید: «ای مردم این حقیقت را به گوش هوش بشنوید و با اندیشه روشن و ژرف‌بینی آن‌ها را بررسی کنید. هر مرد و زن، یکی از دو راه نیک و بد را خود برگزینند؛ پیش از فرا رسیدن روز واپسین همه به پا خیزید و در گسترش آیین راستی بکوشید.»

و تفسیر این بند چنین است: «اشوزرتشت پیروان خود را آزاد گذاشته است تا دستورهای عالی او را با دانش کافی و اندیشه‌ای روشن و فکری باز و با دقت کامل و ژرف‌بینی مورد بررسی قرار دهند سپس هر مرد و زن از روی عقل و وجدان، نیک را از بد و درست را از نادرست و حقیقت را از مجاز تشخیص دهد و راه خود را انتخاب کند.»

اثر آزادی اندیشه در گفتار و کردار

اشوزرتشت آزادی فکر و اندیشه را سرچشمه‌ی همه گفتارها و کردارهای انسان‌ها می‌داند. به طوری که گفتیم انسان آزاده فکری باز و روشن دارد و ژرف‌اندیش است. این آزاداندیشی در گفتار و

کردار انسان نمایان می‌شود. به گونه‌ای که آزادی‌خواهی در پی آزادی اندیشه و گفتار و کردار جلوه‌گر می‌شود؛ زیرا هر گفتار و کرداری چه خوب و چه بد، از اندیشه برمی‌خیزد.

برخورد اشوزرتشت با زورگویان سلب آزادی

اشوزرتشت برخلاف برخی ادیان که با جنگ و خونریزی برای گسترش عقیده باور دارند، ایشان با توکل به اهورامزدا و با نیروی نیک اندیشی (وهومن) و با سخنان نیکوی خود به مبارزه با دشمنان دین و اهورامزدا پرداخت و در این راه پیروز شد.

همراه شدن انسان‌های آزاده با پیام‌آور راستی

انسان‌های آزاده برای این با پیام‌آور راستی (اشوزرتشت مهر اسپنتمان) همراه شدند که از یوغ بردگی انسان‌های ظالم مانند کرپان‌ها و کاوی‌ها به درآیند و اهورامزدای یکتا را ستایش کنند و راه و روش درست زیستن را بیاموزند تا در هر دو جهان رستگار شوند.

استقلال و گسترش آزادی

با توجه به بررسی مطالب بالا و آموزش‌های اشوزرتشت، دریافتیم که یکی از رمزهای پیروزی، پیروی از هومت و هوخت و هورشت بوده است. آنان با پیروی از این سه اصل با اشوزرتشت هم‌پیمان شدند و آزادی را گسترش دادند.

آزادگی انسان در هر زمان و مکان

پیام‌آور راستی، با سرودهای خود و راه‌هایی که به ما آموخته، توانسته است که آزادی و استقلال را برای جامعه بشری در هر مکان و هر زمان به ارمغان بیاورد و برای این کار بسته به چگونگی و استفاده از قوانین آشا و زمان و مکان و موقعیت اجتماعی و غیره، در همه حال یکسان نیست و ممکن است هزاران حالت به خود بگیرد. هر کس باوری را ابراز کند، برای رسیدن به راه درست و منطقی‌تر، بایستی به همه اجازه داد که بیندیشند و راههایی نشان دهند تا بتوان بهترین راه یا بهترین اندیشه را برگزید.

این حقیقت در مورد همه اعمال و رفتارهایی که در زندگی انسان نقش دارند، دیده می‌شود و هر انسانی باید بداند که هر چقدر هم رفتارش در انجام هر کار خوب، حتی بهترین روش امروزی، می‌تواند بهتر از این هم باشد و تلاش کند تا همیشه خود را به جلو ببرد. به این اصل اشوزرتشت «فرشکرد» نام نهاده که به مفهوم تازه کردن، مرتب روش‌های عملکرد ضمن حفظ اصول و موازین است.که در مورد آیین های مذهبی این کار به انجمن مغان یا انجمن موبدان وقت گذارده شده است.

پرسش:

۱- واژه‌ی اوستایی منش نیک چیست؟

۲- با پیروی از منش نیک به چه می‌توان رسید؟

۳- از گاتها برای آزادی چه می‌آموزیم؟

۴- چرا اشوزرتشت پیروان خود را به آزادگی دعوت نموده است؟

۵- چرا انسان‌های آزاده با پیام‌آور راستی همراه شدند؟

۶- قوانین آشا به ما چه می‌آموزد؟

۷- فرشکرد چیست؟

درس یازدهم
روزنامه‌دیواری درست کنیم

کار کلاسی

دستم را زیر چانه‌ام گذاشته بودم و حرکات آقای مخملی را دنبال می‌کردم. آقای مخملی آموزگار درس «هنر» ما است. از نگاه من، نام آقای مخملی با رفتارش به هم می‌آید. رفتارش خیلی نرم و آرام و سخن گفتنش شمرده است. کیفش را روی میز گذاشت و برگشت جلوی تخته ایستاد. همه را از زیر چشم گذراند. با لبخند کم‌رنگی بر لب گفت: «خوب، قرار شد کار کلاسی ما تهیه روزنامه‌دیواری باشد، بچه‌هایی که مسوول بودند، چه کار کرده‌اند؟» منوچهر که جلوی من می‌نشیند، مقوای سبز بزرگ لوله شده‌ای را که تا آن هنگام مانند نیزه‌ی سرباز هخامنشی به دست گرفته بود، باز کرد و به آموزگار نشان داد.

از آن سوی کلاس فرهاد که به سبب خوش‌خطی‌اش به «میرزا بنویس» مشهور است، یک قلم ریز و ۶ ماژیک رنگی را روی میز آموزگار گذاشت. سه نفر از بچه‌ها هم که مسوول نوشتن مقاله بودند، کاغذهایی را به دست آقای مخملی دادند.

تهیه روزنامه‌دیواری

آقای مخملی از بچه‌ها سپاسگزاری کرد و بار دیگر رو به شاگردان گفت: «تهیه روزنامه‌دیواری خالی از لطف نیست. این کار نه تنها سرگرمی، بلکه بسیار سودمند و آموزنده هم هست. در روزنامه‌دیواری می‌توان به یک موضوع ویژه پرداخت یا از نوشتارهای گوناگون استفاده کرد. شاه‌بهرام گفت: «به نظر من نقاشی و عکس می‌تواند در درک نوشته‌ها به خواننده کمک کند تا جایی که به چشم‌نواز شدن روزنامه‌دیواری هم کمک می‌کند».

قدم اول برای تنظیم روزنامه دیواری

اردشیر از آقای مخملی پرسید: «اکنون از کجا باید شروع کنیم؟» آقای مخملی گفت: «ابتدا باید مقوای بزرگ را قالب‌بندی کنیم. یعنی کسی باید کار آرایش روزنامه‌دیواری را به عهده بگیرد. بدون شک این شخص می‌بایست تجربه‌ای هر چند کم در این کار داشته باشد. او باید با توجه به تعداد نوشتارها و نگاره‌ها، مقوای بزرگ را قالب‌بندی کند و با توجه به اهمیت نوشتارها، جای هر کدام را برگزینند».

نظرسنجی بچه‌های کلاس درباره نوشتارها

نوشتارها باید در گروه تهیه روزنامه دیواری به مشورت گذاشته شود. یعنی نوشته‌ها را باید خوانده شود تا همگی در مورد آن نظر بدهند و ایرادهای آن برطرف شود.

فریبرز می گوید: «هر نوشتاری ممکن است تأثیر مثبت یا منفی داشته باشد.»

معلم می‌گوید: «اگر چه هر نوشتاری برای یک بار خواندن باارزش است، ولی باید سعی کنیم نوشتارهای مثبت و سازنده و آموزنده را برای روزنامه دیواری انتخاب کنیم.»

خوش نویسی خط اوستایی

فرهاد می‌گوید: «پس از این کار می‌توان نوشته‌ها را روی مقوا نوشت؟»

آموزگار گفت: «بله، هر چند امروزه می‌توان از ابزارهای رایانه و چاپگر هم برای چاپ نوشته‌ها و برش و چسباندن آن‌ها روی مقوا استفاده کرد. اما تهیه روزنامه‌دیواری با ابزارهای دستی می‌تواند ارزش کار را بالاتر ببرد. فرهاد با لبخندی می‌گوید: «آقای مخملی، منِ میرزا بنویس روزنامه‌دیواری را با خطی بسیار خوش می‌نویسم. تازه مدتی است که خط دین‌دبیره را هم تمرین کرده‌ام و در خوش‌نویسی آن نیمچه مهارتی پیدا کرده‌ام.

تأثیر متن اوستایی روی خوانندگان

شاه بهرام می‌گوید: «راست می‌گوید آقا! خیلی جالب خواهد شد که یک متن اوستایی هم در روزنامه‌دیواری داشته باشیم. می‌توانیم برگردان به فارسی آن را هم پیدا کنیم و زیرش بنویسیم.

آقای مخملی: «از فکرتان خوشم آمد. این کار می‌تواند نظر خوانندگان را جلب کند. شاید هم کنجکاوی نشان دهند و پیگیر یادگیری خط اوستایی بشوند.

جنبه مثبت و تأثیر مطلوب هر سه مقاله

آقای مخملی ادامه داد: «خوب بگذارید مقاله‌ها را خود نویسنده‌ها بخوانند و بچه‌ها نظرشان را بدهند. پس از این کار هر سه مقاله با نمره‌ی قبولی انتخاب شدند تا در روزنامه‌دیواری نوشته شوند. قرار شد اردشیر «گرافیست» مقوا را قالب‌بندی کند. فرهاد «میرزا بنویس» آن را بنویسد و من که نام «نقاش‌باشی» را از بچه‌های کلاس یدک می‌کشم، مسوول نقاشی‌هایش شدم.

آیا می‌دانید که :

خط اوستا «دین دبیره» نام دارد که کامل‌ترین و بهترین خط در جهان است. معنی آن، خط دینی است. بخش بزرگی از آوا و آهنگ اوستا از همین خط به ما رسیده است.

پرسش :

۱- برای درست کردن روزنامه‌دیواری چه لوازمی می‌خواهیم؟

۲- قدم اول برای تنظیم روزنامه‌دیواری کدام است؟

۳- نوشتار روزنامه‌دیواری چگونه انتخاب می‌شود؟

۴- نوشتن یک متن اوستایی همراه با ترجمه آن چرا جالب است؟

۵- حداقل چند نفر برای درست کردن روزنامه‌دیواری همکاری می‌کنند؟

درس دوازدهم
ارزش کتابخانه در دین زرتشتی

مقدمه

کتاب و کتاب‌خوانی همواره در فرهنگ پرمایه‌ی زرتشتی جایگاهی والا داشته است و دارد. به گونه‌ای که نیاکان گرانقدر ما اگر در بیابانی گرفتار می‌آمدند، در دانشی را به سوی خود می‌گشودند. اگر امکان آموزش و درج در کتاب نبود آن را برای استفاده آیندگان، بر سنگ‌ها حک می‌کردند.

ارزش کتاب در این است که دانش را از طریق کتاب می‌توان در دسترس همگان قرار داد. کتابخانه‌ها مشکل تکثیر کتاب را حل می‌کنند.

کتابخانه دینی

در بیشتر شهرهای زرتشتی‌نشین، یک کتابخانه دینی وجود دارد که در آن کتاب‌های مربوط به دانش دین و سایر دانش‌ها موجود است و امکان استفاده همگان را از کتاب‌ها فراهم می‌کند. نسخه‌های تهیه شده و مشهور اوستا در دو کتابخانه بزرگ و مشهور دوران باستان یعنی دژ **نبشتک** در فارس و گنج **شپیگان** در آذربایجان نمونه‌های معتبری از کتابخانه‌ها هستند.

در کتابخانه دینی، کتاب‌های دینِ زرتشتی نگهداری می‌شود تا در صورت نیاز همگان بتوانند مشکلات و ناآگاهی‌های خود را از دانش دین برطرف کنند.

کتابخانه علاوه بر کتاب‌های دینی، کتاب‌های مفید دیگری نیز دارد تا بتوانند نیازهای اطلاعاتی افراد را پاسخگو باشند.

ضرورت مطالعه در دین زرتشتی

کتابخانه‌ها در طراحی‌های شهری جایگاه ویژه‌ای داشته و از دوره باستانی همواره در کنار آتشکده‌ها که مرکز گرد آمدن و راز و نیاز زرتشتیان با اهورامزدا بوده است، دایر می‌شد تا همگان پس از نیایش و کسب آرامش به فراگیری دانش بپردازند که خود عبادتی دیگر است.

بر ما زرتشتیان بایسته است که از کودکی به خواندن کتاب روی آوریم و به این وسیله فکر و ذهن خود را بارورتر سازیم.

هر فرد زرتشتی باید دیدگاه و نگرشی عمیق نسبت به جهان داشته باشد. بنابراین ضرورت دارد که به مطالعه‌ی کتاب‌هایی علاوه بر کتب درسی از قبیل کتاب‌های دینی، علمی، فلسفی و تاریخی بپردازد.

استاد پورداود

یکی از دانشمندان فرزانه‌ای که زحمات فراوانی در ترجمه‌ی اوستا به فارسی کشیده و خدمات ارزنده‌ای در جهت شناسایی اندیشه‌های ژرف آیین اشوزرتشت داشته است، استاد **پورداوود** نام دارد که مجموعه‌ی کتاب‌های ایشان از ارزش زیادی برای پژوهندگان راه اشوزرتشت دارد.

کتاب تاریخ زرتشتیان اثر استاد رشید شهمردان

دوستداران کتاب به ویژه در کتابهای تاریخی، با نام استاد **رشید شهمردان** آشنا هستند. کتاب تاریخ زرتشتیان ایشان از کتاب‌های تاریخی سودمند به شمار می‌رود و از ارزش والایی در میان پژوهشگران برخوردار است.

کتاب ((بندهش))

دکتر بهار یکی دیگر از دانشمندانی است که کتاب‌های زیادی در زمینه‌های تاریخی به رشته تحریر درآورده است و یکی از کارهای ارزشمند ایشان ترجمه کتاب **بندهش** به فارسی است که کتابی فلسفی و آیینی است.

مطالعه کتاب‌های علمی و فلسفی و تاریخی

یکی از آموزه‌های آیین اشوزرتشت این است: «بهترین گفته‌ها را با گوش بشنوید و با اندیشه روشن بنگرید. سپس هر مرد و زن راه خود را برگزینند، پیش از آنکه روز بزرگ فرارسد.»

در دین اهورایی زرتشتی می‌بایستی هر عملی با آگاهی و خردورزی انجام گیرد و گزینش دین هم از این مقوله خارج نیست. بنابراین هر زرتشتی باید به خواندن کتاب‌هایی درباره‌ی دین‌های دیگر بپردازد.

ترجمه کتاب‌های مقدس مسیحیان، یهودیان و مسلمانان نیز می‌تواند برای آشنایی با اصول عقاید این دین‌ها مناسب باشد.

کتابخانه اردشیر یگانگی

کتابخانه اردشیر یگانگی وابسته به انجمن زرتشتیان تهران را بانوی نیکوکار زرتشتی، سرکار خانم فرنگیس شاهرخ روی زمین انجمن زرتشتیان تهران بنا نهاد و به نامگانه همسرش، کتابخانه اردشیر یگانگی نامگذاری نمود. در اسفند ماه ۱۳۴۰ آن را به انجمن زرتشتیان واگذار کرده است.

این کتابخانه در کنار آتشکده تهران با دارا بودن حدود ۱۵ هزار جلد کتاب، چون نگینی در مجموعه دینی آتشکده می‌درخشد.

کتابخانه اردشیر یگانگی، دارای کتاب‌هایی به زبان فارسی و دیگر زبان‌های زنده دنیا مانند انگلیسی، فرانسه، آلمانی و هندی است.

در این کتابخانه کتاب‌های بسیار نفیس اوستایی و زند و پازند موجود است که برخی از آن‌ها دستنویس هستند.

بنا بر اهمیت کتابخانه‌ها همواره سعی شده است تا سرپرستی این جایگاه مهم بر عهده افراد فرهیخته و فرزانه‌ی جامعه قرار گیرد تا هیچگونه خللی در کار کتابخانه ایجاد نشود.

بنا بر باورهای پایدار آیین اشوزرتشت، هر فرد زرتشتی باید برای تازه گردانیدن جهان (فرشه) تلاش کند؛ این مهم رخ نمی‌دهد مگر با وجود انسان‌هایی با دانش و فضیلت که با کتاب دوست و رفیق باشند و عادت به مطالعه‌ی کتاب داشته باشند. از کنار کتاب‌های دینی بی‌اعتنا عبور نکنیم. پس

بر هر زرتشتی بایسته است که به کتابخانه دینی شهر خود برود و در آن جا به مطالعه کتاب‌های دینی بپردازد.

آیا می‌دانید که :

اوستا گذشته از شناساندن هفت قاره و گذشته از پنداشتن گرد بودن زمین، شناخت گسترده‌ای از گیتی به دست می‌دهد. ستاره تشتر، سَتَویس، ونند، هفتورنگ و پروین گواهی بر این مدعاست. کیهان‌شناسی اوستا انسان را نه تنها بر عرصه کره زمین بلکه در پهنه گیتی مجسم می‌سازد.

برای آشنایی بیشتر :

در دین زرتشتی هفت نوع آتش مقدس در جهان مادی و مینوی آفریده شده است. ***اِسپنیشتَه*** *(آتش بهشت)،* ***خورنَه*** *(آتش فر و شکوه)،* ***وازیشتَه*** *(روشنایی ظاهری)،* ***وُهو فراینَه*** *(آتش زندگی)،* ***اوروازیشتَه*** *(حرارت گیاهان)،* ***برزی سَوَنگهه*** *(گرمای آب و سنگ) و* ***آتَرَه*** *(آذر یا آتش عادی). همه این آتش‌ها از اهورامزدا سرچشمه گرفته است و خداوند شیدان شید یا نورالانور است.*

در کتاب تورات آمده که خداوند از میان شعله‌های آتش در کوه تور با حضرت موسی سخن گفته است. در انجیل از قول یحیی پیامبر راجع به ظهور حضرت عیسی می‌گوید که من شما را به آب غسل تعمید می‌دهم، لیکن او شما را به روح‌القدس و آتش تعمید می‌دهد. در سوره نور قرآن آمده که خداوند نور آسمان‌ها و زمین است.

پرسش:

۱- کدام کتابخانه‌ی مشهور نسخه‌هایی از اوستا در آن نگهداری می‌شده است؟

۲- در کتابخانه یگانگی حدود چند جلد کتاب نگهداری می‌شود؟

۳- کتابخانه‌ها معمولا در چه محل‌هایی ساخته می‌شدند؟

۴- کتابخانه اردشیر یگانگی توسط چه کسی بنا نهاده شد و در چه سالی به انجمن زرتشتیان تهران واگذار شد؟

۵- چه کتاب‌هایی در کتابخانه‌های زرتشتیان نگهداری می‌شود؟

۶- استاد پورداوود کیست؟

۷- نام یکی از کتاب‌های استاد رشید شهمردان را بنویسید.

۸- استاد بهار چه کتابی را به فارسی ترجمه کرده است؟

درس سیزدهم
نماینده زرتشتیان در مجلس

تشکیل مجلس قانونگذاری از دوره مشروطه در ایران

در دوران مشروطیت که حدوداً به یکصد سال پیش برمی‌گردد، اولین مجلس قانونگذاری تشکیل شد. در این دوران بود که از تمام گروه‌های ملت ایران نماینده در مجلس حضور داشتند و نماینده زرتشتیان هم در آن دوران ارباب **جمشید جمشیدیان** بود.

نمایندگان زرتشتیان در مجلس

به طوری که در آغاز درس یادآور شدیم، اولین نماینده زرتشتیان در مجلس ایران ارباب جمشید جمشیدیان از افراد بنام و پاک جامعه و مجلس ایران و همینطور پس از او، ارباب کیخسرو شاهرخ و به ترتیب تا دکتر اسفندیار یگانگی و امثال آن ها کم نیستند در جامعه زرتشتی. زیرا اینگونه افراد همیشه از الگوی اصلی خود اشوزرتشت پیروی می‌کند. همواره نمایندگان زرتشتیان در مجلس از خوشنامترین و پاکترین چهره‌های مجلس بوده اند.

نخستین نماینده زرتشتیان در مجلس

در همه دوره‌ها نماینده زرتشتیان در مجلس برای هماهنگ بودن با ملت ایران همکاری و هماهنگی لازم را داشته است. زیرا جامعه زرتشتی همیشه خواهان پیشرفت و توسعه و آبادانی سرزمین خود بوده است. طبق گفته اشوزرتشت مهر اسپنتمان هر زرتشتی باید جهان را فرشه یا تازه گرداند.

نخستین نماینده زرتشتیان در مجلس که ارباب جمشید جمشیدیان بود، برای حفظ ارزش‌های دینی و اجتماعی زرتشتیان بسیار تلاش نمود تا زرتشتیان بتوانند همانند دیگر هموطنان خود از حقوق اجتماعی بهره‌مند گردند و در کنار آن‌ها زندگی کنند و مشکلی نداشته باشند. وی برای حفظ ارزش های دینی و اجتماعی زرتشتیان تلاش بسیار کرد چون ایران متعلق به همه ملت ایران است.

حقوق مساوی زرتشتیان با ملت ایران

همان طور که در بالا متذکر شدیم، از دوره مشروطیت به بعد که زرتشتیان دوره سختی را پشت سر گذاشته بودند و از مشروطیت به بعد دوران بهتری برای زرتشتیان بود. زیرا هر گونه قانونی برای ملت تعیین می‌شد، همه ملت از آن قانون به طور مساوی و یکسان برخوردار می‌شدند و هیچ‌گونه تبعیضی در آن وجود نداشت.

آزادی و حقوق مساوی زرتشتیان با ملت ایران

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران زرتشتیان با دیگر قشرهای ملت ایران از حقوق مساوی برخوردارند و در انجام آیین‌های دینی و احوال شخصیه خود آزادند و از تعطیلات ویژه مراسم خود برخوردارند. برای ایران شهرت و عظمت خاصی را در پهنه جهان بدست آورده‌اند. وجود آزادی و

برخورداری از حقوق مساوی زرتشتیان با دیگر گروه‌های ملت ایران می‌تواند مایه شهرت و عظمت ایران در پهنه جهان شده است.

اصلاح برخی از قوانین تبعیض‌آمیز

در طول تاریخ به ویژه پس از انقلاب اسلامی برخی از قوانین که میان گروه‌های جامعه، تبعیض‌هایی را به وجود آورده بود، از میان برداشته شد. مانند قانون دیه که زرتشتیان هم از این قانون مانند دیگر افراد جامعه به طور مساوی برخوردار شدند و فرقی بین آن‌ها وجود ندارد.

نام نیک نمایندگان زرتشتی

از آنجایی که نمایندگان زرتشتیان کسانی هستند که از درون جامعه بوده‌اند و هیچگونه وابستگی به احزاب و کشورهای بیگانه ندارند، ایران را سرزمین مادری خود می‌دانند و از آموزش‌های پیامبر خود در همه کارها پیروی می‌کنند، مورد احترام همه به ویژه شخصیت های سیاسی و مذهبی کشور بوده اند. بسیاری از این شخصیت ها از نمایندگان زرتشتیان به نیکی یاد کرده اند. امیدواریم که نامزدهای انتخابات نیز واقعاً به این امر آگاه باشند تا همیشه جامعه زرتشتی را نیز خوشنام و پاک نگهدارند.

انتخاب نماینده زرتشتیان

در هر دوره از انتخابات مجلس، زرتشتیان برای تعیین برگزیده منتخب خود برای دفاع از حق قانونی و مسلم جامعه همه زرتشتیانی که واجد شرایط انتخاب کردن هستند، به پای صندوق‌های رای می‌روند تا با انتخاب نماینده خود در پیشبرد ایرانی آباد و آزاد و مستقل همپای دیگر هموطنان خود بکوشند و دست دشمنان را از این سرزمین اهورایی کوتاه کنند.

با توجه به گفته‌های اشوزرتشت که در گات‌ها آمده است هر زرتشتی باید هر کاری را نخست با یاد اهورامزدا و به کمک اندیشه و گفتار و کردار نیک انجام دهد تا برای او موفقیت بدست آید. از این رو هر زرتشتی برای انجام امور جامعه خود به بهترین شخص که بدون قصد و غرضی برای جامعه خودش بکوشد و آن را به پیش ببرد، رای می‌دهد تا در مقابل اهورامزدا و وجدانش آسوده خاطر باشد. هر زرتشتی باید با یاد اهورامزدا و پیروی از اندیشه و گفتار و کردار نیک رای خود را به بهترین شخص نامزد بدهد.

آیا می‌دانید که :

اردشیر. جی. ریپورتر سومین نماینده پارسیان در ایران که استاد مدرسه علوم سیاسی هم بود، در آموزش اصول دمکراسی و آزادی به دانشجویان و همراهی با مشروطه‌طلبان و رجال آزادی‌خواه ایران، موثر بود.

برای آشنایی بیشتر :

*هنگام انتخابات دوره دوم در سال ۱۲۷۸ یزدگردی، ارباب جمشید جمشیدیان، ارباب کیخسرو را که در اداره‌اش سمت مدیری داشت، به نمایندگی زرتشتیان در مجلس نامزد ساخت و عموم همکیشان به نام او رای در صندوق انداختند. تأسیس کتابخانه همچنین چاپخانه مجلس از کارهای سودمند **ارباب کیخسرو شاهرخ** است.*

پرسش :

۱- از چه زمانی مجلس قانونگذاری در ایران تشکیل شد؟

۲- ارباب جمشید جمشیدیان که بود؟

۳- نمایندگان زرتشتیان چگونه بوده‌اند؟

۴- قبل از هر کار، هر زرتشتی، برای رای دادن چه باید بکند؟

۵- یکی از قوانین تبعیض‌آمیز که اصلاح شده، کدامست؟

درس چهاردهم
شکل رهبری دینی و اجتماعی زرتشتیان

رهبری دینی زرتشتیان

از آنجایی که روش تعلیم و تفهیم و توجیه اصول و فروع دین و شرایط و فواید انجام بایستنی‌های مذهبی در هر زمان و مکان وابسته به میزان فهم و پایه دانش و خرد پیروان آن مذهب است و با پیشرفت زمان و همگانی شدن علم و دانش باید روش آموزش و توجیه شایست و ناشایستی‌های آن نیز تفسیر یابد، پس بهتر است بدانیم که رهبری دینی ما زرتشتیان همان‌گونه که رهبری دینی و معنوی زرتشتیان از همان زمان اشوزرتشت به انجمن مگان یا مغان به رهبری **ایسدواستر** سپرده شد و در طول تاریخ به عهده انجمن یا کنکاش موبدان بوده است، اینک نیز به عهده انجمن موبدان است. و هرگز رهبری دینی فردی نبوده و تنها مردم در شرایطی که موبد دانشمندی را شایسته می‌دانستند او را به عنوان موبد بزرگ یا دستور بزرگ مفتخر می‌کردند. ولی این مقام به معنی پیروی بی‌چون و چرا از او نبوده و همیشه رهبری به صورت جمعی و کنکاش انجام می‌گرفته است. در حال حاضر رهبری دینی زرتشتیان با انجمن موبدان است.

ارزش و احترام موبدان

موبدان در طول تاریخ با درک دستورهای اهورایی گاتاها، سنن و آداب بسیار شایسته‌ای را بنیاد نهاده، پاسداری کرده‌اند تا بهدینان بتوانند پیام‌های اشوزرتشت را به زبانی ساده درک و وارد زندگی خود کنند. رسوم و آیین‌های گهنبار، خیرات، سنت اشوداد (وقف) و دیگر آداب بسیار ارزشمند، جشن‌های ملی و مذهبی، سدره‌پوشی نمونه‌های بارز آن‌ها است. درک بهتر تعالیم اشوزرتشت و نشان ندادن تعصبات بی‌جا، سازش با سایر فرهنگ‌های درست و منطقی قوم‌های مختلف در ایران بزرگ موجب شد تا فرقه‌گرایی و مذاهب مختلف در بین زرتشتیان به وجود نیاید.

به پاس ارج نهادن به زحمات موبدان گذشته و حال، بهدینان همیشه با دل و جان موبدان خود را ارج نهاده‌اند.

هماهنگی زرتشتیان با موبدان

برای زنده ماندن دین و گسترش تعالیم اشوزرتشت، هماهنگی زرتشتیان با موبدان لازم است. آنچه که از دیرباز تا کنون باعث پایداری دین زرتشتی شده است، همین موبدان و دلسوزی آنان نسبت به نگهداشتن دین حتی در بدترین شرایط بوده است و ما باید قدر آنان را بدانیم.

موبدان پاکدل، اندیشمند و پاکیزه هستند

موبدان سراسر زندگی خود را صرف بخاطر سپردن اوستا و کارهای دینی و تبلیغ راستی و پاکی می‌کنند، دعوت کننده مردم را به کار خیر و داد و دهش هستند. آنها با عمل خود بهترین سرمشق

برای بهدینان به شمار می‌روند. پس بهترین شیوه برای انجام این از خودگذشتگی‌ها، پاکی دل و داشتن خردی روشن است.

مسوولیت موبدان

موبدان علاوه بر درک و فهم دستورهای اهورایی گاتاها مسوولیت بزرگ دیگری به عهده دارند و آن آموزش صحیح دستورات گاتاها به جوانان به منظور پرورش و به کار بستن آن آموزش‌ها در زندگی و پیشبرد جامعه است. موبدان علاوه بر رهبری دینی باید جوانان را به آموزش و پرورش دینی علاقمند کنند.

اداره جامعه زرتشتیان

انسان از روز نخست اجتماعی بوده است و برای داوم زندگی بشرِ اجتماعی نیاز به اداره امور به صورت گروهی بوده است.

همواره در طول تاریخ اداره بخش اجرایی و اجتماعی زرتشتیان با گروهی از بزرگان بوده است که وظیفه آن‌ها راهنمایی و رهبری کل جماعت زرتشتیان بوده است. اداره اجتماعی زرتشتیان با انجمن زرتشتیان است.

همکاری در کارهای انجمن‌ها

با انتخاب رهبران اجتماعی (اعضای انجمن) برای پیگیری مسایل جامعه، وظیفه هر فرد زرتشتی پایان نمی‌یابد. بلکه وظیفه‌های مهمتر نیز بر عهده دارد. و آن کمک و یاری رساندن (فکری و مالی) در خصوص مسایل مختلف به این گروه مدیران اجتماعی است. هر زرتشتی چه پیر و جوان باید در کارهای انجمن‌ها یاری و مساعدت کند.

داد و دهش

برای اداره امور جامعه که به دست اعضای انجمن سپرده شده است، این رهبران نیازمند مساعدت و یاری همکیشان هستند. این نیاز در طول تاریخ از سوی دهشمندان و نیکوکاران جامعه رفع شده است. لازم به یادآوری است که داد و دهش یکی از اصول دین زرتشتی است. همه افراد به ویژه دهشمندانِ خیراندیش باید به انجمن‌ها کمک مالی لازم را برسانند.

به گواهی تاریخ، زرتشتیان از بنیان گزاران آداب نیکو بوده‌اند و همان‌گونه که گفتیم داد و دهش یکی از اصول دین زرتشتی برای اداره امور جماعت است؛ چون انجمن‌ها نیازمند کمک مالی هستند، پس نیک اندیشان و دهشمندان زرتشتی این نیاز رهبران اجتماعی را رفع می‌کنند. بخشی از هزینه اداره‌ی جامعه زرتشتیان از بودجه‌ای است که دهشمندان یاری می‌کنند.

رای‌گیری انجمن‌های زرتشتیان

خداوند با بخشش خرد و وجدان اراده کرد که بشر خود آزادانه سرنوشت خود و جامعه خود را بسازد. بنابراین برای اداره امور جامعه زرتشتیان هر شهر گروهی را انتخاب و رهبری جامعه را به آن‌ها می‌سپارند. اعضای انجمن‌های زرتشتیان با رای‌گیری از زرتشتیان هر شهر انتخاب می‌شوند.

همبستگی و پیوستگی انجمن‌های زرتشتیان ایران

به دلیل مهاجرت زرتشتیان به اقصی نقاط ایران به منظور آبادانی کشور و در نتیجه تشکیل انجمن‌ها در هر شهر بوده است، پس بهتر است برای رهبری و اطلاع رسانی مطلوب در امور اجتماعی، بین انجمن شهرها همبستگی و همفکری و یگانگی وجود داشته باشد؛ حتی در راس آن‌ها انجمن کل که از نماینده هر انجمن جزء تشکیل شده است، وجود داشته باشد که خطی‌مشی و هماهنگی برای بقیه انجمن‌ها به وجود آورد.

هماهنگی انجمن‌های زرتشتیان در سراسر جهان

اداره امور زرتشتیان در اقصی نقاط جهان به دلیل پراکندگی و تفاوت فرهنگ‌های مختلف نیازمند مشورت و رایزنی است. پس لازم است بخش مشترکی در انجمن‌های کل به منظور بررسی امور جماعت و ارتباط نزدیک تشکیل شود تا مسایل مختلف بررسی و با نظر انجمن موبدان به نتیجه واحد برسند. پس بهتر است که انجمن‌های زرتشتیان دارای بخش مشترکی برای هماهنگی با زرتشتیان کشورهای دیگر داشته باشند.

آیا می‌دانید که :

واژه **مُغ** از ریشه اوستایی «مگا» magha است که در پارسی باستان به صورت maga آمده است. در زبان پهلوی magok-pat همانست که بعدها به فارسی موبد شده است به معنی دانای مُغان (موبدان موبد) رییس پیشوایان دین دوران ساسانیان بوده و مقامی ارجمند در دربار ساسانی داشته است.

موبد یا مُغگ بد مانند ارتش بد یا سپه بد- یعنی کسی که اطلاعات بالایی در دانش دین و ارتش و سپاه دارد و کاملا متعهد به انجام وظیفه خویش است.

بیشتر بدانیم :

زوت در اوستا **زَاوتر** zaotra اسمی است که به سرپرست موبدان در حال اجرای مراسم دینی داده شده است. امروز این اسم را به یکی از دو موبدانی که در مراسم دینی شرکت می‌نمایند، می‌گویند و دیگری را **راسپی** می‌نامند.

اشوزرتشت خود را در گات‌ها یسنا ۳۳ قطعه ۶ **زوت** می‌نامد. قدمت این کلمه تا به عهد آریایی می‌رسد و در سانسکریت **هوتر** گویند.

برای آشنایی بیشتر:

تنسَر، هیربدان هیربدِ دوره اردشیر بابکان بود. وی از جانب شاه مأمور احیای دین زرتشتی و جمع‌آوری نامه‌های پراکنده اوستا شد و مردی پاک، درستکار و پرهیزگار بود.

*در فصل اول ارداویرافنامه پس از ذکر شرحی از ستم‌های اسکندر گجسته و پراکنده شدن اوستا و متزلزل شدن ارکان دین، می‌نویسد: «این حال اسفناک ادامه داشت تا این که پاکروان **آذرپادمهراسپندان** انوشه روان پدید آمد و در جمع‌آوری متون دینی کوشش نمود.*

پرسش :

۱- رهبری دینی زرتشتیان در زمان اشوزرتشت با کدام انجمن و به رهبری چه کسی بود؟

۲- بنیانگذار انجمن مگان کیست؟

۳- در حال حاضر رهبری دینی زرتشتیان با کدام انجمن است؟

۴- چرا بهدینان با دل و جان به موبدان ارج نهاده‌اند؟

۵- مسوولیت موبدان چیست؟

۶- رهبری اجتماعی زرتشتیان با کدام انجمن است؟

۷- چرا دهشمندان باید به انجمن‌ها کمک مالی لازم را برسانند؟

۸- چرا باید میان انجمن‌های زرتشتیان ایران همبستگی و پیوستگی باشد؟

۹- نیاز هماهنگی انجمن‌های زرتشتیان در سراسر جهان به چه دلیل است؟